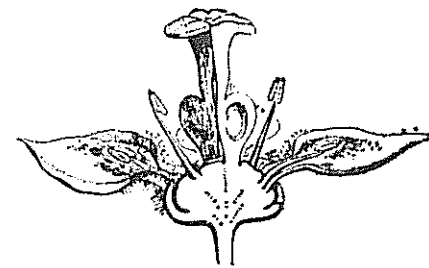
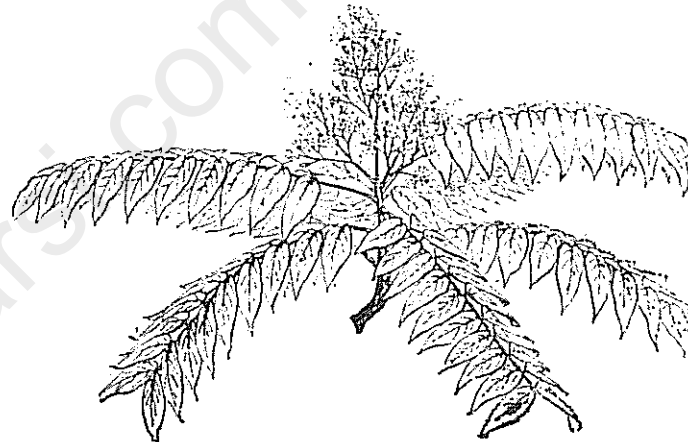


که ایجاد اثر صرفاً برمی نماید. برای این کار معمولاً جوشانده ۱ گرم پوست درخت در نیم لیتر آب را که پس از ۱ دقیقه جوشانیدن، به این حجم رسیده باشد، به مقدار ۱۰ سیلی لیتر و ۳ یا ۴ بار در شبانه روز مصرف می کنند.

۲- *Eurycoma merguensis* Planchon. * *E. latifolia* Jack. دربرمانی و کشتنشین می روید و به مصارف درمانی مشابه *Quassia amara* می رسد. دانه اش دارای نوعی



ش ۱۵۷ - *Ailanthus altissima*: شاخه گلداری و برش قائم گل درخت عرعر

ماده روغنی چسبنده و قابل استخراج، به رنگ زرد روشن می باشد و اسولسیون آن با سیودوسود، رنگ قرمز ایجاد می کند. از اعضای این گیاه در بعضی نواحی محل رویش، به عنوان تب بر و مصارف دیگر استفاده درمانی به عمل می آید.

۳- *Picramnia pentandra* Sw. * در کوبا به عنوان تب بر مورد استفاده قرار می گیرد. بوسیان محل رویش گیاه، برای آن اثر درمانی مشابه کنکینا و یا قوی تر از آن قائل می باشند.

۴- *Hannoa undulata* Guill. & Per. * درخت کوچکی با پوست شکافدار و به رنگ سبیل به قهوه ای است که در نواحی نیمه خشک افریقای غربی از سنگال-سودان تا کامرون می روید. چوب و پوست آن که طعم تلخ دارند، توسط بوسیان محل رویش به عنوان مقوی، رفع اسهال و تب بر مورد استفاده قرار می گیرد.

گونه دیگری از آن به نام *Hannoa Klaineana* Pierre. * است که درختی به ارتفاع ۲ تا ۵ متر می باشد و در منطقه استوایی از گابن تا آنگولا می روید، اثر درمانی مشابه گیاه قبلی دارد.

۵- *Castela Nicholsoni* Hook. f. * *C. erecta* Trup. درختچه ای است خاردار که در مناطق خشک و گرم اسرکای شمالی می روید و از ساقه و برگ آن که طعم تلخ دارند، استفاده درمانی به عمل می آید. مغز ساقه آن دارای دانه های نشاسته ای فراوان با ظاهر مشخص می باشد. در سال ۱۸۸۳، MM. Putegnac و همکارانش از آن یک ماده تلخ و قابل تبلور، استخراج نمودند و آنرا آمارگوزین *amargosine* نام نهادند. با بررسی های جدید که در سال ۱۹۱۸ توسط Mac Iver و Sellard بر روی آن انجام گرفت، وجود نوعی ماده گلوکزیدی در آن مشخص شد که *Bosman* آنرا به حالت تبلور در آورده و به نام *کاسته لین* *Casteline* نام نهاد. از هیدرولیز این ماده، *کاسته لاژنین* *Castelagenine* و گلوکز حاصل می شود. ضمناً ماده دیگری نیز بنام *کاسته لاسارین* *castelamarine* به دست آمد که آنرا، همان آمارگوزین دانسته اند.

کاسته لین یا *کاسته لوزید* *casteloside*، تنها ماده موثر این گیاه بنظر می رسد و سمیت آن ۲ تا ۵ برابر کمتر از کلریدرات استین می باشد (Perrot, p. 1178 - 1944).

در بعضی کتب علمی، به جای مواد مذکور، منحصراً ماده ای به نام *کاسته لاسارین* در گیاه مذکور ذکر شده است. این ماده که به فرمول $C_{14}H_{16}O_4$ و به وزن ملکولی ۲۷۰ می باشد، توسط *Bosman* استخراج شده است (1).

ماده ایست تلخ که به صورت بلورهای سوزنی شکل به دست می آید. در آب خیلی گرم و الکل حل می شود.

از نظر درمانی دارای اثر ضد آمیبی است (Merck Index, N. 1891 - 1976).

در اعضای مختلف این گیاه و بعضی دیگر، ماده ای به نام *آمارولید* *amarolide* نیز یافت می شود.

1 - Bosman, J. Chem. Soc. 121, 969 (1922) ; Parajape et al., G. A. 39, 2288

(1945).

۶- از بین Simaba ها که قبلاً شرح داده شدو از گونه‌ای به نام *S. Valdivia Ag.** که در کلمبیای روید، ماده‌ای موسوم به **والدی وین** *valdivine* استخراج می‌گردد که بسیار سمی است. به طوریکه مقدار ۲ تا ۵ میلی‌گرم آن باعث مرگ یک خرگوش ۲ کیلوگرمی می‌شود. گردبادام (لبه‌ها) آن قی‌آور است.

نوع دارویی دیگر آن، *S. ferruginea A. St. Hill.* است که در باهیا می‌روید و اثر تب‌بر دارد.

۷- چوب *Samadera madagascariensis A. Juss.** که در رئونیون، ماداگاسکار می‌روید و در کشنشین نیز یافت می‌گردد، دارای مصارفی شبیه کاسیاست. درختی است که در مالزی می‌روید و پوست آن به مصارف درمانی می‌رسد. در قسمتهای مختلف گیاه، ماده بسیار تلخ و قابل تبلوری به نام **ساما درین** *samaderine* یافت می‌شود. این ماده در آب محلول است.

بررسی‌های فیزیولوژیکی که توسط *R. Muller* بر روی دانه، پوست و چوب این گیاه به عمل آمد نشان داد که اعضای گیاه می‌تواند برای حیوانات خون‌سرد، سمیت داشته ایجاد فلج عمومی و توقف حرکات تنفسی نماید. اثر درمانی آن در انسان، شبیه کاسیاست.

۸- *Odyendea gabonensis Engl.**، *Quassia gabonensis Pierre.* درختی به ارتفاع ۵ تا ۳ متر است و در نواحی استوایی افریقا می‌روید. دانه روغنی آن طعمی تلخ دارد و از آن، نوعی ماده روغنی و خوراکی استخراج می‌گردد که در بازارهای اروپا تحت نام *Beurre d' Odyendie* یا *B. d' Ozokle* عرضه می‌شود. این ماده روغنی، طعمی تلخ دارد و زود، تند می‌شود (حتی پس از تصفیه). در ساختن صابون به کار می‌رود.

تفاله‌اش به مصرف تغذیه حیوانات می‌رسد.

۹- *Irvingia Oliveri Pierre.**، در کشنشین می‌روید و از دانه‌اش نوعی ماده چرب به نام *Beurre de Cay-Cay* استخراج می‌گردد. این ماده چرب، از گونه‌های دیگر گیاه مذکورمانند *I. malayana Oliver** و *I. Harmandiana Pierre.** که هر سه آنها در یک ناحیه پراکنندگی دارند، تهیه می‌شود.

دانه این گیاهان دارای ۲ تا ۳ درصد از مواد چرب با طعم ملایم است بطوری که مواد چرب حاصل از آنها، پس از تصفیه شدن می‌تواند به مصارف تغذیه برسد. ماده مذکور دارای

۵ درصد اولئین، ۳ تا ۵ درصد **لورین** *laurine* و ۶ تا ۱۰ درصد **میریسستین** *myristine* است (9 - 1177 - Perrot Em. II). هیچیک از گیاهان مذکور در ایران نمی‌رویند.

سپنداسه Sapindaceae

گیاهان این تیره به صورت درخت یا درختچه و در بعضی انواع بالا رونده‌اند. مجموعاً از ۱۳۰ جنس و ۱۱۰ گونه تشکیل می‌یابند که غالباً در نواحی حاره و بین استوایی پراکنندگی دارند.

برگهای آنها متقابل، معمولاً مرکب از برگچه‌های متعدد و گل‌های آنها نر- ماده یا بر دو نوع نر و ماده، یک پایه، پلی‌گام و بندرت دو پایه است. کاسه گل آنها شامل ۵ یا ۶ تقسیم و جام- گل آنها مرکب از ۵ یا ۶ گلبرگ است.

پرچم‌های آنها به تعداد ۲ برابر گلبرگها و تخمدان شامل ۲ یا ۳ خانه است. میوه آنها به صورت مختلف شفت، سته، پوشینه (کیپسول) و در برخی گونه‌ها بالدار است.

بعضی از این گیاهان، اثر قابض و تلخ دارند. عده‌ای دیگر میوه‌های خوراکی یا سمی دارا می‌باشند. و یا به عادت دارا بودن ساپونین فراوان، به مصارف مختلف می‌رسند. هیچیک از گیاهان دارویی و سهم این تیره در ایران یافت نمی‌شوند. نمونه‌های دارویی و سهم آنها به شرح زیر است:

* *Paulinia Cupana* H. B. K.

P. sorbilis L.

گیاهی است بالا رونده که با اتصال به تکیه‌گاه و درختان مجاور خود، تا ارتفاع ۱۲ متر بالایی‌رود. با خم شدن طبیعی شاخه و مجاورت آنها با زمین، سهولت ریشه‌های فراوان نابجا ایجاد و گیاه علیحده بوجود می‌آید. برگهائی پیچک‌دار، متناوب، مرکب از ۵ برگچه دنداندار و گل‌هائی به رنگ تقریباً سبز و مجتمع به صورت خوشه‌هائی در محور ساقه دارد. کاسه گل آن از ۵ کاسبرگ فلس مانند و جام گل آن از ۵ گلبرگ تشکیل می‌یابد. ۸ پرچم با میله‌های ناساوی دارد. مادگی آن شامل تخمدان ۳ خانه است و پس از رسیدن، به میوه‌ای به صورت پوشینه با ظاهری گلابی شکل

به رنگ قرمز زیبا (پس از رسیدن) و محتوی ۲ دانه به بزرگی یک فندق، صاف و برنگ قهوه‌ای تیره تبدیل می‌گردد.

این گیاه در منطقه وسیعی از آمازون، در نواحی مرکزی و شمالی برزیل تا ونزوئلا، به حالت وحشی می‌روید.

قسمت مورد استفاده گیاه نیز، دانه‌های آن است.

از دانه این گیاه، نوعی خمیر به نام **گوارانا** (Guarana) به شرح زیر تهیه می‌نمایند که پس از خشک کردن در معرض استفاده قرار می‌دهند:

برای تهیه ماده مذکور، ابتدا میوه گیاه را در گرمای خورشید خشک می‌کنند تا دانه‌ها به سهولت از آن خارج شوند سپس دانه‌ها را که دارای دسته تازی به صورت جام در قاعده‌اند، بین انگشتان می‌فشارند تا بکلی عاری از تارگردند. در این هنگام دانه‌ها را بومی دهند، به حدی که رنگ قهوه‌ای تیره حاصل کرده پوسته خارجی دانه به سهولت از لپه‌ها جدا شود بعداً در هاون‌های چوبی مخصوص می‌کوبند و به خوبی له می‌نمایند و مقداری آب بدان اضافه می‌کنند تا بر اثر مالش دادن، حالت خمیری پیدا کند. در این موقع، خمیر حاصله را به صورت مختلف استوانه‌ای شکل یا کروی و یا به شکل قطعات نان درمی‌آورند و در گرمای خورشید یا تحت اثر حرارت ملایم خشک می‌کنند.

روش تهیه Guarana در نواحی مختلف آمریکا، تفاوت محسوس با یکدیگر دارد.

ترکیبات شیمیائی - Guarana دارای ماده‌ای به نام **گوارانین** (guanine) به فرمول $C_8H_{11}N_5O_2$ به مقدار ۷ تا ۶ درصد (که در واقع همان کافئین است)، اسانس و اسیدتانیک می‌باشد. دانه گیاه دارای کافئینی، بیشتر از قهوه و چای است.

بررسی‌های P. De Bertrand carneiro و G. Bertrand نشان داده است که دانه گیاه فقط دارای کافئین است در حالی که دیگران وجود تئوبرومین و مواد دیگر را قبلاً در آن ذکر نموده بودند.

خواص درمانی - قابض و دارای اثر مقوی و رفع اسهال است. در برزیل، به عنوان نیرو دهنده، به صورت چای یا قهوه مصرف می‌شود. در کشورهای اروپائی از آن برای رفع اسهالهای ساده و به عنوان مقوی و آرام کننده دردهای عصبی استفاده بعمل می‌آید.

مصرف آن در رفع سردردهای یکطرفه (Migraine)، مؤثر ذکر شده است.

صورت دارویی - گرد به مقدار ۱ تا ۲ گرم به صورت کاشه - عصاره الکلی به مقدار ۲۰ تا ۳۰ تا یک

گرم در یک پوسیون - عصاره روان به مقدار ۱ تا ۲ گرم - تنطوره ۱/۰ به مقدار ۵ تا ۱۰ گرم در یک پوسیون - جوشانده به مقدار یک تا دو گرم برای هرفنجان. این گیاه در ایران نمی‌روید.

Sapindus Saponaria L. * درخت کوچکی است که در آمریکا و آنتیل می‌روید و در بعضی نواحی مانند الجزیره نیز پرورش می‌یابد. برگهای ستاوب، مرکب از ۴-۵ زوج برگچه و گل‌های سفید و مجتمع به صورت گزنه‌های با انشعابات زیاد دارد. میوه‌اش غیر خوراکی، قرمز رنگ گوشتدار، به بزرگی گیلاس، دارای شیره چسبنده و محتوی ۲ دانه به رنگ تیره است. دارای ساپونین و مواد رزینی مختلف می‌باشد. مصرف آن توسط بومیان محل رویش به عنوان تصفیه کننده خون معمول است. مصارف صنعتی مخصوصاً در نساجی دارد.

* **Cardiospermum Halicacabum L.**

C. inflatum Salisb. ، C. truncatum A. Rich.

فرانسه: Cardiosperme، Pois de merveille، Pois de coeur، Coeur des Indes

انگلیسی: Blister Creeper ، Love in a puff ، Heart - pea ، Ballon - vine

آلمانی: Cuore dell' Indie ؛ ایتالیائی: Luff-ballonpflanze ؛ Echter herzsame

عربی: نوفه ، بکف (Bakaf) ، تفتف (Taftaf)

گیاهی یکساله، دارای شاخه‌های باریک، شیاردار و پوشیده از تار یا فاقد آن است. برگ‌های با ظاهر مثلث شکل، منقسم به سه قسمت، یکی در ناحیه راس و دو تای دیگر در پائین آن دارد که هر یک منقسم به تقسیم فرعی دنداندار است. گل‌های سفید رنگ، به طول ۳-۴ میلی‌متر و مجتمع به تعداد کم در انتهای پایه‌های بلندی دارد که هر یک از کناره یک برگ منشأ می‌گیرد. میوه آن پوشینه و محتوی دانه‌های مدور به ابعاد ۲ تا ۳ میلی‌متر، صاف و سیاه رنگ است. در ایران نمی‌روید ولی در غالب نواحی گرم آسیا بدان برخورد می‌شود. قسمت مورد استفاده گیاه، تمام اعضای آن مخصوصاً ریشه و دانه گیاه است.

خواص درمانی - ریشه گیاه اثر معرق و بدر دارد و چون دارای سوسیلاژ (لعاب) فراوان است از این جهت اگر در آب وارد گردد مقدار فراوانی مواد لعابی خارج می‌سازد. در بعضی نواحی برگ آنرا با روغن کرچک مخلوط نموده به بیماران مبتلا به رماتیسم و لمباگوسی خوراندند. برای برگ‌های بوداده آن اثر قاعده آور قائل اند. در استعمال خارج، برگ گیاه را در آب می‌خیسانند و سپس بر روی عضو در رماتیسم اثر می‌دهند. در استعمال خارج خیسانده گیاه در شیر نیز اثرات مفید در



ش ۱۵۸ - Cardiospermum Halicacabum : شاخه گلدار و میوه دار

رفع آماس و تومورها، با تاثیر دادن بر روی عضو ظاهر می سازد. مصرف شیره گیاه، می تواند سرعت وقوع قاعدگی را فراهم آورد. در ایران نمی روید.



شکل ۱۵۸ - الف: Dodonaea viscosa - سرشاخه میوه دار و گلدار

Dodonaea viscosa L.، درختچه‌ای است پرشاخه، با برگهای باریک، دراز، نوک تیز و میوه بالدار که در نواحی حاره و نیمه حاره منجمله در بلوچستان و جنوب غربی ایران می‌روید. عصاره حاصل از برگهای آن، به عنوان یک داروی اختصاصی جهت درمان بواسیر و تسکین درد در بعضی نواحی مصرف دارد بعلاوه از آن به صورت غرغره و جهت درمان ذکام، یونجه‌ای (rhums des foins)، نزله‌حاد و زمزم مخاطبینی و چشم که همراه با جریان ترشحات بینی و اشک است به کار می‌رود. اینجالت در بعضی افراد، هنگامی که غلات و چمن، گل می‌دهند، به صورت آلرژی ظاهر می‌شود (Reutter p. 829).

این گیاه در نواحی جنوبی ایران به نام ترکه (Naterak)، نادرک، پتسک (Betechk) موسوم است. درین گیاهان این تیره نمونه‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد که از آنها در نواحی محل رویش برای اسوز درمانی و یا به عنوان سموم شکار حیوانات و یا مصارف متعدد صنعتی استفاده بعمل می‌آید و چون هیچیک از آنها ارزش درمانی قابل ملاحظه ندارند و بعلاوه در ایران یافت نمی‌گردند از این جهت، به شرح مختصر دو گیاه دارویی زیر اکتفا می‌شود:

۱- *Serjania curassavica* Radlk. * - درختی است که در نواحی حاره امریکا، مکزیک و آنتیل تا برزیل و همچنین در مناطق غربی قاره افریقا پراکندگی دارد. پوست آن تحت نام تیمبو Ecorce de Timbo در معرض استفاده قرار می‌گیرد.

قطعات پوست درخت مذکور، عطر مخصوص دارد و اگر جویده شود، احساس سوزن زدگی در سطح زبان عارض می‌گردد. از پوست این درخت ماده‌ای به نام تمبوئین Timboïne توسط Pfaff استخراج شده است که به اشکال، قابلیت تبلور پیدامی کند بعلاوه دارای یک ماده روغنی سمی به نام تیمبول Timbol است (Perrot Em. p. 1285).

پوست این درخت به مصارف درمانی مختلف می‌رسد مانند آنکه از آن به عنوان آرام کننده و دفع سنگهای صفراوی استفاده می‌شود.

۲- *Dimbolla myrkensis* Baker * گیاهی است که در بعضی نواحی افریقای روید و از ریشه‌اش به صورت جوشانده، جهت درمان رماتیسم و داء الفیل (Elephantiasis) استفاده می‌شود. برای آن اثر مقوی باء نیز قائل اند. در ریشه گیاه نوعی ساپونین با اثر محرک وجود دارد که مصرف زیاد آن باعث بروز برخی ناراحتی‌های قلبی می‌شود.

بعضی از گیاهان این تیره، متعلق به جنس‌های *Schleichera*، *Nephelium*، *Euphoria* و *Otophora* میوه‌های خوراکی دارند.

تیره شاه بلوط هندی Hippocastanaceae

گیاهان این تیره عموماً درختی و دارای برگهای متقابل، مرکب از برگچه‌های نامساوی و منتهی بیک نقطه می‌باشند. شامل ۲ جنس و ۱ گونه‌اند و منحوی پراکندگی دارند که به فواصل دور از یکدیگر مانند امریکای شمالی، شبه جزیره بالکان، ارتفاعات هیمالیا و امریکای مرکزی یافت می‌شوند. سابقاً این تیره از نظر شباهت کلی گیاهان آن با Sapindaceae ها، در تیره اخیر جای داده می‌شد ولی امروزه با توجه به اختلافات زیادی که گیاهان آن با تیره مذکور دارند، به صورت تیره جداگانه درآمده است.

از اختصاصات گیاهان این تیره آن است که گل‌هایی مجتمع به صورت خوشه‌های انتهائی دارند و چون گل‌آذین آنها در زمستان، هنگامی که هنوز به صورت جوانه است، ترکیب بندی حاصل می‌کند، از این جهت شکستن گل‌های آنها زودتر از غالب گیاهان، یعنی در اوایل بهار صورت می‌گیرد.

این گیاهان، گل‌هایی نرماده یا بردونوع نرماده، نامنظم، شامل ۴ یا ۵ کاسبرگ و ۵ پسته همان تعداد گلبرگ دارند. پرچمهای آنها به تعداد ۲ برابر گلبرگها (گاهی کمتر) و مادگی آنها مرکب از ۳ پرچه است.

در ایران یک گونه دارویی به شرح زیر به صورت یک درخت زینتی در نواحی شمالی و تهران پرورش می‌یابد:

Aesculus Hippocastanum L.

فرانسه : Châtaignier de mer ، Châtaignier d' Inde. M. d' Inde. Marronnier

انگلیسی: Horse chesnut ، Conqueror - tree آلمانی : Gemeine rosskastanie

ایتالیائی: Castagno ippocastano ، Marrone d'India ، Castagno d' India

فارسی : شاه بلوط هندی - عربی : قسطنه هندی ، ابوفروة الحصان (A. f. el ihussân)

درختی است زینتی و به ارتفاع ۲۰ تا ۳۰ متر که منشاء آن در کتب مختلف متفاوت، شمال هندوستان، بالکان و ایران ذکر شده است. از مشخصات آن این است که برگ‌هایی بزرگ، شامل دمبرگ دراز و مرکب از ۷ برگچه مجتمع، به رنگ سبز (در سطح فوقانی پهنک) و گل‌هایی معطر

به رنگ سفید مایل به گلی (یا قرمز و دارای لکه های زرد) و مجتمع به صورت خوشه دارد. مادگی آن مرکب از تخمدانی سه خانه است و پس از رسیدن به سیوه ای به صورت پوشینه خاردار و محتوی یک یا دو دانه آلبومین دار به نام مارون *Marron d'Inde* تبدیل می شود. پوسته خارجی دانه



ش ۱۵۹ - *Aesculus Hippocastanum*: شاخه گلدار - گل کامل - پرچم
مادگی - دانه کامل و برش طولی آن (باندازه های طبیعی)

آن به رنگ قهوه ای قرمز و دارای لکه بزرگ تقریباً سفید و مشخص است. در درون آن نیز دو لپه بزرگ روشن دار با طعم تلخ و مطبوع جای دارد.

ترکیبات شیمیائی - پوسته روی دانه دارای تانن مخصوصی به نام اسید اسکولیتانیک (ac. esculitannique) و مغز درون آن، شامل دو گلوکوساپونین یکی به نام اسکولین *esculine* (اسکولوزید-*esculoside*)، و دیگری فراگزین *fraxine* (1) است بعلاوه، نشاسته و تا ۷ درصد روغن دارد.

بررسیهای Frémy، وجود دو ماده محلول در الکل قوی یکی به نام آرژیرسین *argyréscine* و دیگری که یک ساپونین به نام آفرودسین *aphrodéscine* می باشد در لپه های دانه آن مشخص کرده است.

پوست شاخه های این درخت نیز دارای تانن، اسید اسکولیتانیک، اسکولین و فراگزین است. از هیدرولیز اسکولین، گلوکز و اسکولتین *esculetine* و از هیدرولیز فراگزین، گلوکز و فراگزتین *fraxétine* حاصل می شود.

در دانه گیاه وجود مجموعه ای از چند نوع ساپونین (*Mixture*) به نام اسین *escine* (*Escin*)، اسکوزان *Aescusan*، ریاریل *Reparil* (توسط محققین مختلف نیز استخراج شده است *Winterstein* در سال ۱۹۳۱) که دارای دو نوع آلفا (α) و بتا (β) است.

نوع آلفا (α -*Escin*) به صورت گرد آسرف است و در گرمای ۲۰-۲۷ درجه ذوب می شود. در آب به مقادیر زیاد محلول است.

نوع β -*Escin* (β -*Escin*)، به صورت ورقه های کوچک در اتانول رقیق متبلور می شود و در گرمای ۲۲-۲۳ درجه حل می گردد. در آب غیر محلول است (*Merck Index*, No. 3618, 1976).

اسکولین (اسکولوزید، بی کلورین *bicolorin*، اسکوزیل *Escosyl*، انالاکروم *enallachrome*، پلی کروم *Polychrome*)، به فرمول $C_{10}H_{16}O_9$ و به وزن سلکولی ۲۸۰.۳۴ است. در برگ و پوست شاه بلوط هندی یافت می شود. طریقه استخراج آن توسط *Tumann* (2) و سنتز آن توسط *Hegemann*، *Merz* و دیگران عملی گردید (3).

اسکولین بایک و نیم سلکول آب، بصورت بلورهای سوزنی شکل در آب خیلی گرم (حلال) در می آید. در گرمای ۲۰-۲۴ درجه می جوشد. هر گرم آن در ۵۸ میلی لیتر آب و ۱۳ میلی لیتر آب-سوزنی است.

۱- اختصاصات فراگزین و فراگزتین، در بحث *Fraxinus* (تیره *Oleaceae*) شرح داده شده است:

2 - *Tumann*, Chem. Zentr. (1916), I, 1277.

3 - *Merz*, *Hagemann*, Naturweiss. 29, 650 (1941).

جوش حل می‌شود. درالکل خیلی گرم، متانول، پیریدین، اسات اتیل و اسیداستیک محلول است. محلول‌های آبی آن در pH بالاتر از ۸، فلئورسنس آبی نشان می‌دهد.

ملح پنااستات آن ۲ ملکول آب، به صورت بلوریه‌های سوزنی شکل در متانول، حالت تبلور پیدا می‌کند. در گرمای ۱۶۳-۱۶۴ درجه ذوب می‌گردد.

محلول‌های ۴ درصد یا پماد آن، برای بهداشت حفاظت پوست بدن به کار می‌رود.

اسکوله‌تین (سیکوری‌ژنین Cichorigenine)، ماده غیرگلوکوزی (Aglycon) است که از هیدرولیز اسکولین یا ایزومر آن به نام سیکوری‌ژین cichoriine (ماده‌ای است که در کاسنی وجود دارد) به دست می‌آید (1). اسکوله‌تین، به فرمول $C_9H_4O_4$ و دارای وزن ملکولی ۱۷۸٫۴ است. به صورت بلوریه‌های منشوری شکل در اسیداستیک گلاسیال به دست می‌آید. در قلیانبات رقیق حل می‌شود و محلولی با فلئورسنس آبی ایجاد می‌کند. درالکل خیلی گرم و اسید استیک گلاسیال به مقدار متوسط محلول است ولی در اترو آب جوش حل نمی‌گردد.

در تهیه فیلترها، به منظور جذب اشعه ماوراء بنفش به کار می‌رود.

خواصی درمائی - پوست ساقه این درخت به علت دارا بودن تانن، اثر قابض و بطور خفیف تب بردارد. مصرف آن سابقاً به عنوان تب برین مردم رواج زیاد داشته است. از عصاره روان گل و برگ‌های آن، برای رفع نفرس، رماتیسم و سیاه سرفه استفاده بعمل می‌آمده است. از پوست این درخت امروزه به عنوان قابض و جهت رفع اسالهای ساده و ضعف عمل دستگاه هضم استفاده بعمل می‌آورند.

مغز دانه گیاه دارای اثر تنگ کننده مجاری عروق سطحی، منتها با عمل بطئی است. در خونریزیها و مداوی واریس، مورد استفاده قرار می‌گیرد. تنطوردانه این گیاه نیز اثر آرام کننده سریع درد بواسیر و کاهش دهنده تورم آن دارد.

با مالیدن روغن دانه آن بر روی عضو، اثر مفید در نفرس و رماتیسم ظاهر می‌گردد. عصاره الکلی دانه آن به حالت ساده و یا مخلوط درالکل (بمنظور رقیق کردن) بصورت مالیدن، در رماتیسم، دردهای عصبی و بیماریهای دردناک و ناراحت کننده پوست مانند سرمازدگی، خارش Prurigo اثر مفید و آرام کننده بوجود می‌آورد.

صورد آروئی - الکلاتور استابلیزه دانه با پوسته خارجی آن (کد کس) که بهترین صورت استفاده از این گیاه است به مقدار ۲ تا ۳ قطره قبل از هر غذا - عصاره الکلی دانه به مقدار ۱۰ ر.

تا ۳ ر. گرم به صورت حب در روز. تنطور الکلی ۵/۱ دانه جهت تسکین درد و ناراحتی های بواسیر به مقدار ۳ تا ۴ قطره قبل از نهار و شام مصرف می‌شود. انتره (Intrait) که نوعی عصاره حاصل از دانه های استابلیزه است و به صورت گرد سفید رنگ محلول در آب می‌باشد به مقدار ۵ تا ۱ میلی گرم و ۲ دفعه در روز بکار می‌رود که به صورت محلول گلیسر و الکلیک ۵ درصد به مقدار ۵ تا ۱۰ قطره در صبح و شب و یا بصورت حب های ۲ میلی گرمی به مقدار ۱ یا ۲ حب در صبح و شب مصرف می‌شود. غیسانده ۸ گرم پوست خشک این درخت در یک لیتر شراب، اثر مقوی و تب بر مانند کتکینا دارد. در استعمال خارج روغن دانه به صورت مالیدن در نفرس بکار می‌رود. مالیدن محلول الکلی ۵/۱ عصاره دانه این گیاه نیز در رماتیسم های سبک و همین عصاره بحالت معمولی، جهت درمان سرمازدگی و خارش معمول است.

پوست این درخت به صورت جوشانده ۱۵ تا ۱۰ در هزار به عنوان تب بر و عصاره آبی آن به مقدار ۱۰ ر. تا یک گرم مخلوط در یک پوسیون به عنوان یک داروی مقوی در مصارف داخلی مصرف می‌شود.

از الکلاتور دانه گیاه، نوعی پماد به فرمول زیر:

الکلاتور دانه شاه بلوط هندی ۲ گرم

لانولین ۶ »

تهیه می‌شود که آرام کننده ناراحتی های بواسیر است.

شیاف جهت درمان بواسیر

انتره (Intrait) دانه شاه بلوط هندی ۳ ر. گرم

- بذرانج (ژوسکیام) ۲ ر. »

- تاجریزی ۵ ر. »

بوردو کاکائو به مقدار لازم برای تهیه یک شیاف

محل رویشی - این درخت، بومی یونان و بلغارستان است ولی به علت زیبایی خاص که دارد، پرورش آن به عنوان زینت در نواحی مختلف ایران معمول می‌باشد.

مجاور تیره شاه بلوط هندی، تیره Aceraceae یا تیره افرا جای دارد که غالب آنها در نواحی معتدله نیم کره شمالی می‌رویند. گیاهان آن به صورت درخت یا درختچه و دارای گلتهائی بر دونوع نروماده، یک پایه یا دو پایه و بندرت نر - ماده اند. کاسه و جام گل آنها، ۴-۵ قسمتی و در بعضی انواع نیز گلتهای آنها فاقد جام است. پرچمهایی بتعداد ۲ برابر گلبرگها (معمولاً ۸ پرچم) و میوه ای بالدار (سامان) دارند.

جنس سهم آنها Acer است که نوعی از آنها به علت تولیدتند، دارای ارزش نسبتاً زیاد می باشد.

*Acer saccharinum L.**(۱)، درختی است بسیار زیبا و به ارتفاع در حدود ۱ متر که در

کانادا، اتازونی و بطور کلی در نواحی شمالی آمریکا، از آن نوعی قند به نام Sucre d'Erable استخراج می نمایند.

شیره گیاهی این درخت دارای معادل ۰.۴ تا ۰.۷ گرم قند در لیتر است.

برگهای آن، ظاهر پنجه ای شکل و محدود به ۰ لوب بادندانه های فاصله دارد. گلهای

آن که قبل از ظاهر شدن برگها، پدید می آیند، رنگ زرد و گل آذین آن، حالت آویخته بر روی دمگلی

پوشیده از تار دارد. میوه اش بی کرک و متورم در قاعده است. از باقیمانده آن پس از عمل استخراج

قند (ملاس)، نوعی سرکه به دست می آورند. برای استخراج شیره گیاه، معمولاً شکافهائی در ساقه

درخت، از ارتفاع یک متری زمین ایجاد می کنند و شیره حاصل را در ظروفی جمع آوری می نمایند.

باجوشاندن این شیرابه (در چند ساعت)، مایع نسبتاً غلیظی با طعم مطبوع به دست می آید که با

تعلیظ آن، محلول غلیظتری به نام tire در کانادا به دست می آورند. ماده اخیر اگر حرارت به بیند

و آب آن بکلی تبخیر گردد، به حالت جامد در می آید که همان قند است.

با پرورش این درخت می توان سالیانه مقادیر زیادی شیره از آن به دست آورد بدون آنکه

با رعایت اسلوب صحیح، صدمه ای به درخت وارد آید. از شیره حاصل از درختان مذکور، در

کارخانجات، قند استخراج می کنند ولی ارزش قند حاصل، قابل مقایسه بانی شکر و چغندر نیست.

گونه های دیگری نیز از Acer ها به شرح زیر دارای شیره محتوی مواد قندی می باشند:

۱- *A. pseudo-platanus L.*، درختی است که پایه های ۰.۳ تا ۰.۴ متر آن معادل

۰.۳ تا ۰.۴ کیلوگرم شیره محتوی ۰.۷ تا ۰.۱ درصد قند می دهد (Mathieu, Fl. forestière).

۲- *A. platanoides L.*، شیره ای به مقدار زیادتر از گیاه قبلی میدهد.

استفاده از شیره دو گیاه اخیر، به علت آنکه مقدار درصد ماده قندی آنها کم است و به علاوه

مقدار شیره حاصل از آنها قابل ملاحظه نیست، از نظر استخراج قند، مورد توجه نمی باشد.

از میوه خشک این درخت، عصاره ای به نام آسه رین acérine تهیه می شود. محلول های

تازه آسه رین، میکروبهائی مانند کلی باسیل و ویروس آبله گاوی را در مدت ۰ دقیقه از بین می برد.

ولی تاثیر آن بر روی استافیلوکوک کمتر است.

۱- نام گیاه شناسی که آنرا نگذاری نموده به تفاوت Marrhal, Michaux, Linné و گونه

آن به تفاوت، saccharum و saccharinum ذکر شده است.

استخراج آسه رین و تعیین اختصاصات آن توسط G. Fischer انجام گرفت (2).

آسه رین، ماده ای غیر محلول در متانول، اتانول، اترواستن است. فرآورده های غلیظ آسه رین،

رنگ قهوه ای مایل به قرمز با قلیائیات و یا بر اثر اکسید شدن در مجاورت هوا، پیدای می کنند.

تزیقی زیر جلدی آن درموش و خرگوش ایجاد سمومیت نمی نماید.

نوع دوم از دو گیاه اخیر در جنگلهای شمالی ایران، در ارتفاعات طولش، پل زنگوله و

زرین گل وجود دارد و نام محلی آن، کرکف، کیکم و شپردار در این نواحی است.

تیره شال منجد Meliaceae

گیاهان این تیره به صورت درخت یا درختچه، بندرت علفی و شامل ۱ جنس و در حدود

۱۰۰۰ گونه می باشند که اختصاصاً در نواحی گرم و بین استوایی می رویند. بطوری که فقط تعداد

کمی از آنها در نواحی معتدله یافت می گردند. عموماً برگهائی متناوب بدون استیپول، ساده یا

بیرکب و گلهاائی منظم، نر ساده، بندرت بردونوع نر ساده، پلی گام دو پایه و غالباً مجتمع به صورت

خوشه دارند.

کاسه گل آنها شامل ۴ یا ۵ تقسیم و جام گل آنها مرکب از گلبرگهای آزاد و یا پیوسته

به هم در قاعده است. میوه آنها سته، شفت و یا پوشینه می باشد.

در بین آنها نمونه های دارویی با ارزش یافت نمی شود بطوری که منحصر آ گیاهان زیر از

نظر درمانی قابل ذکر می باشند.

Melia azedarach L.

M. orientalis M. Roem. ، *M. australis Sweet.*

فرانس: Arbre à chapelet ، Azadarach ، Lilas des Antilles ، Margousier

انگلیسی: Margosa tree ، Indian-lilas ، Pride tree ، Bead tree ، Azedarach

ایتالیائی: Zedarach ، Indianischer lilak ، آلمانی: Lilacco del Indie

فارسی: شال پستانه (در نور) شیطان زیتون (در لاهیجان) - عربی: شجره حره

درختی است زیبا به ارتفاع ۰.۱ تا ۰.۱ متر که منشأ اصلی آن، نواحی شرقی هندوستان و

یران تشخیص داده شده است ولی امروزه علاوه بر نواحی مذکور در آسیای صغیر، چین و مخصوصاً

در منطقه مدیترانه یافت می گردد.

1 - G. Fischer, Acta Pathol. Microbiol. Scand. 31, 433 (1952).

برگهای آن به طول ۲ تا ۵ سانتیمتر و مرکب از ۷ برگچه نوک تیز و دنداندار است. گل‌هایی معطر، به رنگ آبی مایل به بنفش و مجتمع به صورت خوشه مرکب، به طول ۲ سانتیمتر (حداکثر) دارد. در هر گل آن ۶ گلبرگ باریک با حالت افتاده و ۱ تا ۱۲ پرچم دیده می‌شود. گلبرگهای آن در پایه قسمت لوله‌ای شکلی که از به هم پیوستن میله پرچمها بوجود آمده، بدان پیوسته‌اند.



ش. ۱۶ - *Melia azedarach*: شاخه گلدار و میوه‌دار

میوه‌اش شفت، بیضوی، آبدار، به بزرگی یک نخود، به رنگ تقریباً زرد و محتوی هسته سختی است که از آن تسبیح می‌سازند.

قسمت مورد استفاده این درخت، پوست ریشه و ساقه و همچنین برگ آن است.

خواص درمانی - از پوست آن، به عنوان مقوی، نیرو دهنده، قابض، تب‌بر، ضد اسکوربوت و ضد کرم استفاده بعمل می‌آورند. ولی در استفاده از آن همواره باید به این نکته توجه داشت که مقادیر مصرفی اگر از میزان درمانی تجاوز کند، ایجاد اسهال، تهوع، سرگیجه و حتی غش می‌نماید. استفاده از پوست این درخت در بیماریهای مختلف مانند عوارض حاصله از کمبود ویتامین C در بدن، تب‌های شدید و تب‌های نوبه معمول است.

در استعمال خارج، برگ آن بمنظور مداوا بر روی زخم‌ها و اولسرها گذاشته می‌شود و یا آنکه له شده آن را به محل دردناک عضو در رماتیسم جهت تسکین درد، اثر می‌دهند.

صور دارویی - جوشانده ۵ تا ۳ گرم از قسمت مورد استفاده گیاه به مقدار معین به فاصله هر دو ساعت - گرد پوست به مقدار ۰.۵ گرم و سدسرتبه در روز و الکل‌تور آن به مقدار ۲ تا ۸ گرم در روز مصرف می‌شود.

مقادیر اخیر باید به اندازه‌های کم ولی بدفعات (در هر دو ساعت یک سرتبه) و قبل از پیدایش عارضه در تب‌های نوبه بکار رود.

محل رویش - نواحی شمالی ایران، گیلان: لاهیجان، تهران، مازندران: ایستگاه تیرتاش، نور، بندرعباس و مکران.

اسامی محلی - این درخت در نوبه شمال پستانه، در لاهیجان به شیطان زیتون و شال زیتون، در راسر به دیوزیت، در مازندران به شال سنجد و زیتون تلخ، در تهران به سنجد تلخ و در آستارا به زبیل آجاجی موسوم است.

در بعضی از نواحی نیز پرورش می‌یابد.

Melia Azadirachta L. ، *Azadirachta indica* Juss. - درختی زیبا و دارای

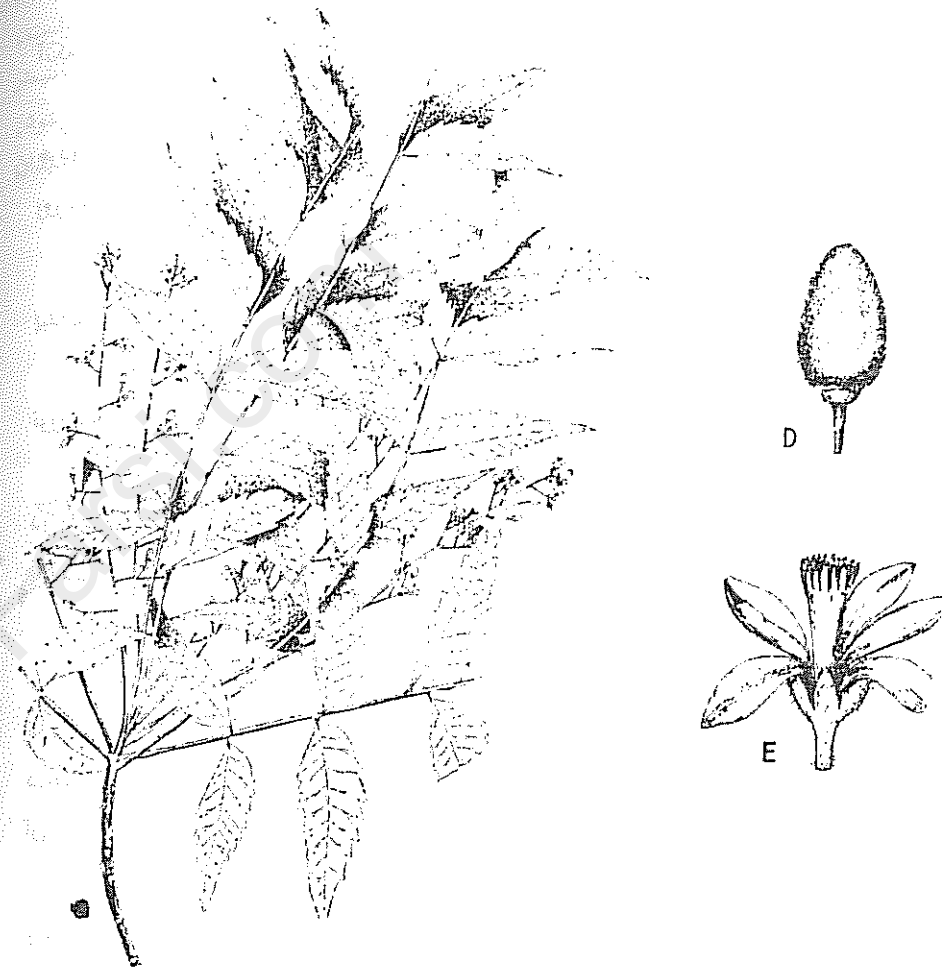
ظاهری شبیه گیاه قبلی است. در هند و مالزی می‌روید و از آن نوعی صمغ شبیه صمغ عربی بدست می‌آید. در هند، آنرا درختی مقدس می‌دانند و در تشریفات مذهبی و مراسم آن بکار می‌برند. برای پوست آن اثر تب‌بر قائل‌اند.

له شده دانه آن، بطور ملایم بوی سیرمی دهد و سهولت تخمیر حاصل می‌کند. دارای ۲۴ درصد (صغز دانه ۷ درصد) از مواد چرب است. این ماده چرب در گرمای ۲۵-۲۸ درجه ذوب می‌شود و در ۹ درجه، انجماد حاصل می‌کند.

چوب درخت دارای ارزش صنعتی است.

از پوست این درخت، ماده‌ای به نام نیم‌بیول Nimbiol استخراج شده است (1)، این ماده به حالت متبلور در متانول رقیق به دست می‌آید. در گرمای ۸ تا ۲۴ درجه ذوب می‌شود.

از دانه آن، نوعی ماده روغنی به نام *Nem oil* و *Margosa oil* استخراج می‌شود که معادل ۱۰ درصد وزن دانه است. روغن مذکور از گلبسریدها و مواد تلخ (۲ درصد) تشکیل یافته است که شامل نیم‌بیدین *Nimbidine*، نیم‌بیدول *Nimbidol* و غیره می‌باشد.

ش ۱۶۰ - الف *Azadirachta indica*: شاخه گلدار (طبیعی)، میوه

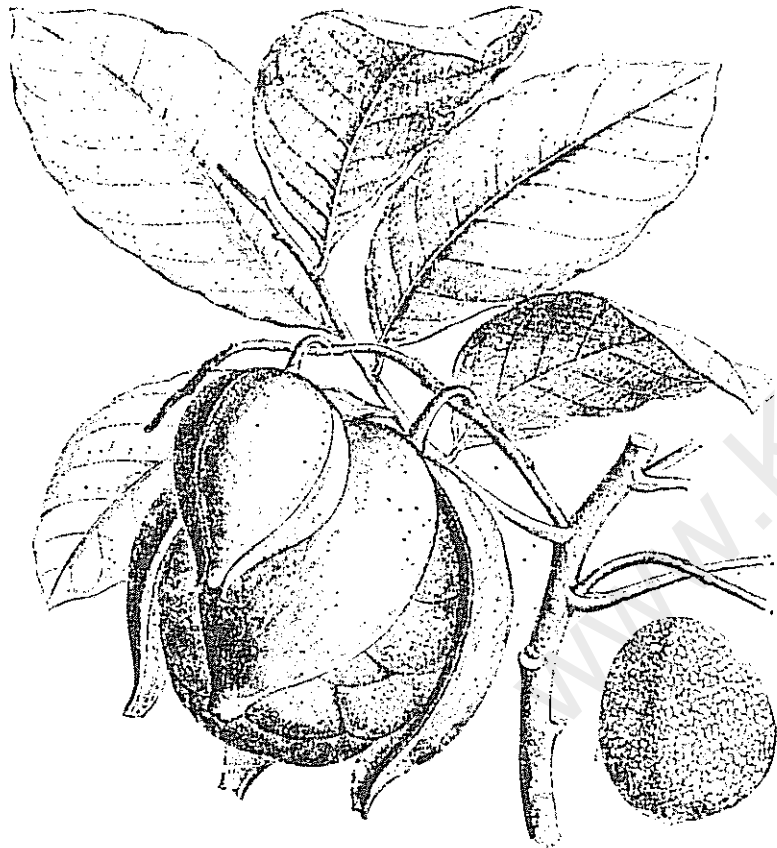
وگل (ع ۴) (Fl. W. Pakistan N. 17)

از روغن مذکور در هند و پاکستان برای مصارف درمانی در خانواده‌ها، استفاده می‌شود. رنگ آن زرد است و بوی سیرمی دهد. طعم تلخ دارد. در اتروکلوروفرم حل می‌گردد ولی در آب و الکل غیر محلول است. به مصارف ساختن اسید اولئیک و اسید استئاریک می‌رسد. این درخت از خارج به ایران وارد شده است. در بندرعباس و چابهار می‌روید نام محلی آن در نواحی مذکور، چریش، سرش و چریشک می‌باشد (دکتر ثابتی). پرورش می‌یابد.

* *Carapa procera* DC.

C. Touloucouna Guill. et perrottet

درختی زیبا، به ارتفاع ۲-۳ متر و دارای چوب سخت و مقاوم است، به رنگ مایل به قرمز است. در نواحی غربی آفریقا، جزایر آنتیل و گویان می‌روید. گل‌های سفید رنگ و مجتمع به صورت، پانیکول و میوه مدور، کپسول مانند، شکوفا و محتوی ۱۲-۱۵ دانه دارد. دانه آن دارای سطح ناصاف و تزئینات شبکه مانند است.

ش ۱۶۱: *Carapa procera* شاخه میوه‌دار - دانه (Bail.)

ترکیبات شیمیایی - پوست ساقه گیاه، طبق بررسی‌های E. Cavento، دارای یک ماده تلخ به نام تولوکونین (Touloucounine)، مواد رنگی زرد و قرمز، سوم، صمغ و به مقدار بسیار جزئی

آسیدون است. بررسی های بعدی که توسط Moyse-Mignon در سال ۱۹۴۲ صورت گرفت نشان داد که تولوکونین، ماده ای غیر ازته و غیرگلوکزیدی، از نوعی لاکتون اشباع شده است. مغز دانه آن دارای ۵۸ تا ۶۳ درصد ماده چرب، برحسب نژادهای مختلف گیاه می باشد. این ماده که تحت نام بور دو کوبی Beurre de Kobi یا B. de Touloucoune وارد بازار تجارت می گردد، رنگ زرد قهوه ای دارد و در گرمای ۲۳ درجه انجماد حاصل می کند. از آن، جهت تهیه نوع مرغوب صابون پتاسیم استفاده می شود.

دانه و روغن حاصله از آن، بیشتر به مصارف درمانی می رسد.

خواص درمانی - روغن دانه گیاه به مصارف درمان رماتیسم و بیماریهای پوست سر می رسد. پوست آن طعم تلخ و اثر قابض دارد.

در ایران نمی روید.

از گیاهان مفید دیگر این تیره به شرح مختصر چند نوع زیر که هیچیک از آنها نیز در ایران نمی رویند مبادرت می شود (۱):

۱- *khaya senegalensis* A. Jussieu*، در هند و سنگال می روید و خیسانده پوست آن در سنگال به عنوان تب بر، مقوی، رفع اسهال، درمان سیفیلیس و رفع عوارض آن و همچنین سقط کننده جنین توسط بوسیان محل رویش گیاه، مصرف می گردد.

۲- *Trichilia emetica* Vahl*، درختی است که در عربستان، آفریقای شرقی، اریتره تا سودان و امتداد آن تا آفریقای جنوبی می روید و پوست ریشه آن اثر قوی آورسسهلی دارد. با بررسی هائی که Mille Mignon R. Paris بر روی اعضای این گیاه به عمل آوردند نشان دادند که مصرف مقادیر زیاد تنطور برگ آن، ایجاد سرگ به علت پیدایش خیز حاد ریه (oedème) می نماید.

زنان بومی، برگ این گیاه را با مواد معطر به صورت له شده در می آورند و از آن نوعی لوازم آرایشی تهیه می کنند.

۳- *T. cedrata* A. Chev* در آفریقا، ساحل عاج می روید و چوب آن در حالت تازه، رنگ سفید مایل به زرد و مصارف صنعتی دارد.

۴- *Soymida febrifuga* A. Jussieu* - پوست آن به مصارف درمان دیسانتری می رسد.

۵- *Cedrela febrifuga* Forst. Roem.* - پوست آن، به کنکینای هند شرقی موسوم است و در جزایر مالزی می روید، به عنوان تب بر و رفع اسهال مصرف می گردد.

۵- *Naregamia alata* Miq.*، *Turrea alata* Wight، در جنوب و جنوب غربی هند می روید و ریشه اش به ایپکای گوآ Ipeca de Goa موسوم است. به مصارف درمانی مختلف می رسد مانند آنکه گرد ریشه خشک شده آن جهت درمان رماتیسم، دیسانتری و بیماریهای کبدی می رسد به علاوه اثر غلط آور دارد.

از دانه گیاهان متعددی از این تیره به شرح زیر، مواد روغنی استخراج می شود که غالباً به مصارف تهیه صابون می رسند:

الف - *Trichilia emetica* Vahl*، که در فوق شرح داده شد.

ب - *Carapa procera* DC.* چنانکه قبلاً ذکر شد در نواحی غربی آفریقا می روید و از آنجا به آنتیل و گویان انتشار یافته است، نوع دیگر آن، *C. guianaensis* Aubl.* می باشد که در نواحی استوایی آمریکا می روید و در گویان فرانسه به فراوانی یافت می شود. روغن دانه آنرا بوسیان محل رویش، برای درمان ناراحتی کبدی، رفع التهاب روده و در استعمال خارج جهت درمان سوزا، و ناراحتی های پوستی مختلف به کار می برند. به مصارف تهیه صابون می رسد.

ج - *Amoora Rohituka* W. et A.*، درختی است که در هند و مالزی می روید و در ماداگاسکار پرورش می یابد. از دانه اش روغنی معادل ۳ تا ۴ درصد و به رنگ زرد قهوه ای باریک ناپسند به دست می آید که منحصراً به مصارف تهیه صابون می رسد.

د - *Melia Azadirachta* L.، *Azadirachta indica* Juss.، در هند و مالزی می روید که قبلاً شرح داده شده.

تیره ویتا Vitaceae

(Ampelidaceae)

گیاهان تیره سو معمولاً به صورت درختچه های بالا رونده اند ولی در بین آنها، انواع علفی و یا گیاهانی با ساقه راست و حتی به صورت درخت نیز می توان مشاهده نمود. مجموعاً شامل ۱۳ جنس و تقریباً ۷۰ گونه می باشند که عموماً در مناطق معتدله و گرم کره زمین پراکنده می دارند. این گیاهان غالباً دارای پیچک اند و وجود پیچک نیز باعث سهولت اتصال آنها به درختان مجاور و بالا رفتن از تکیه گاه می شود. برگهای آنها به اشکال مختلف ساده یا مرکب از برگچه های شانهای و یا برگچه های منتهی به یک نقطه است. گلتهائی نرماده، پلی گام یک پایه یا دو پایه و

مجموع به صورت مختلف گرزن یا خوشه دارند. کاسبرگهای آنها معمولاً کوچک و جام گل آنها شامل ۴ یا ۵ گلبرگ است. عموماً پرچم هائی به تعداد گلبرگها و مادگی مرکب از ۲ برچه دارند که مجموعاً تخمدانی ۲ خانه و محتوی یک یا دو تخمک در هر خانه بوجود می آورند. میوه آنهاسته و محتوی ۲ تا ۴ دانه است.

نمونه های زینتی زیبایی در بین آنها وجود دارد که در غالب نواحی معتدل و گرم همچنین در ایران پرورش می یابند.

نمونه های دارویی و مهم آنها، به شرح زیر است:

Vitis vinifera L.

فرانسه: Vigne انگلیسی: Grape vine آلمانی: Weinrebe، Weinranke ایتالیائی: Vite، Vigna

فارسی: درخت انگور - مو عربی: شجرة العنب، کرم (Karam)، عنب (Enab)

درختچه ای است بالا رونده که به کمک پیچک های خود به سہولت از موانع و درختان مجاور بالا می رود. ساقه آن گره دار و برگهایش متناوب، دارای دمبرگ دراز، شامل ۵ لوب دنداندار، به رنگ سبز تیره در سطح فوقانی پهنک و کرکدار و مایل به سفید در سطح تحتانی پهنک است. گلهائی کوچک و مجتمع به صورت خوشه مرکب دارد. کاسه گل آن ۵ دندانه ای، جام آن مرکب از ۵ گلبرگ آزاد و پرچم می باشد.

میوه آن سته و گوشتدار است و پس از رسیدن دارای طعم شیرین ملایم و رنگهای متفاوت به تناسب نژاد های مختلف می گردد.

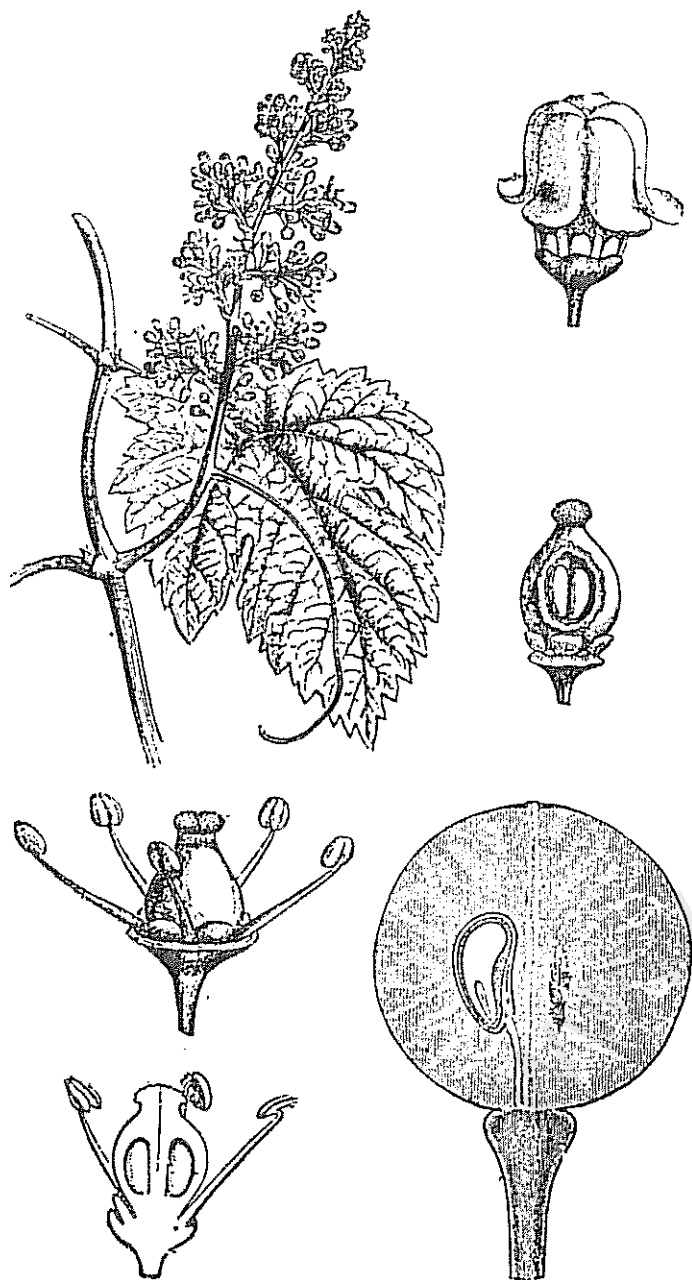
سنتاً آن، نواحی مختلف آسیا بوده است ولی امروزه در منطقه وسیعی از کره زمین مخصوصاً نواحی معتدله پرورش می یابد.

قسمت مورد استفاده درخت مو، برگ، شیره گیاهی و میوه آن است.

درخت مو دارای آفات متعددی از دسته قارچها و حشرات است. از آفات مهم قارچی آن بلاک روت Black-rot، Mildiou و اوئیدیوم Oidium را باید نام برد.

در بلاک روت، قارچ مولد آفت که *Guignardia bidwellii* نام دارد، پس از سرایت، ابتدا برگ و سپس میوه را مورد حمله قرار می دهد. با پیشرفت آفت، میوه حالت طبیعی خود را از دست داده خشک می گردد و سطح آن پوشیده از دانه های ریز و تیره رنگ با ظاهر مشخص می شود.

دراوئیدیوم، قارچ مولد آفت *Erisyphe tuckeri* است. این قارچ، سطح اعضای سبز گیاه، مانند برگ، شاخه های جوان و میوه را فرا می گیرد و با پیشرفت آن، برگها تغییر شکل حاصل کرده،



ش ۱۶۲ - *Vitis vinifera*: شاخه گلدار گل کامل - گل عاری از پوشش و برش قائم آن - برش میوه - مادگی و نمایش تخمکهای آن

لبه دار و شکننده می‌شوند. سطح سیوه‌ها نیز شکاف برمی‌دارد بطوری که دانه‌های درون آن ظاهر می‌گردد.

در آفت میلدیو، لکه‌هایی در دو سطح برگ ظاهر و سطح تحتانی آن پوشیده از لیان باریک و فراوان به رنگ سفید می‌گردد. تدریجاً لکه‌ها قهوه‌ای می‌شود و خاتماً انگور به مرحله رسیدن نمی‌رسد.

پرورش درخت مورد همه نواحی مساعد معمول است. بطوری که موستانهای وسیعی از آن در نواحی مختلف می‌توان یافت. بعضی از واریته‌های آن پایه کوتاه دارند و شاخه‌های آنها در سطح زمین یا در ارتفاع کمی از آن قرار می‌گیرد. برعکس نمونه‌های دیگری از آن، بر روی تکیه‌گاهها، متکی می‌گردند و منظره زیبایی با ظاهر درختچه مانند پیدا می‌کنند.

ترکیبات شیمیائی - برگ، سیوه و دانه انگور دارای موادی به شرح زیر می‌باشند:

برگ: مو، دارای ساکارز، لولز، اینوزیت inosite، تانن، مواد نشاسته‌ای، کوئرستین quercéine، کوئرستیرین quercitrine، کاروتن، اسیدهای آلی مختلف مانند اسید وینیک ac. vinique، اسید مالیک، اسید سوکسینیک، اسید پروتوکاتشیک ac. protocatéchique و همچنین موادی مانند تارترات‌ها، ویتین vitine، سوم، گلوتامین و غیره است.

غوره، سیوه نارس انگور دارای رنگ سبز و طعم ترش است. شامل ۳ درصد از اسیدهای آلی مخصوصاً اسید وینیک، اسید مالیک، اسید فرمیک، اسید سوکسینیک rac. succinique، اسید اگزالیک، اسید گلوکولیک rac. glucolique، همراه با یک درصد قند تبدیل یافته و مقدار بسیار جزئی اسانس است.

انگور رسیده، دارای موادی با مقادیر نسبی متفاوت بر حسب نژاد گیاه پرورش یافته است و بطور متوسط موادی به مقادیر زیر در آن یافت می‌شود:

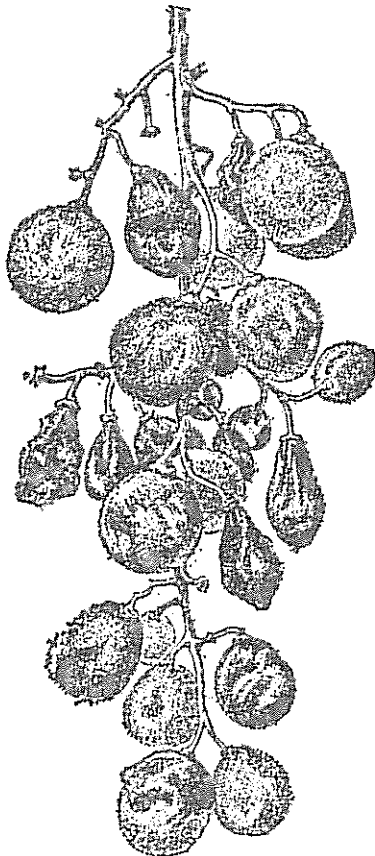
۷۹ درصد آب، ۱۴ درصد قندهای مختلف مانند ساکارز، گلوکز، دکستروز، ۰٫۸ تا ۱٫۸ درصد اسیدهای آلی مانند اسید وینیک، اسید مالیک، اسید ستریک، اسید سالیسیلیک و اسید سوکسینیک، تانن، انورتین، اینوزیت، پنتوزان، لسیتین، کوئرستیرین، لوسین leucine، تیروزین و صمغ.

دانه انگور دارای روغنی قابل استخراج به رنگ زرد مایل به سبز است. این روغن فاقد بو ولی طعمی مطبوع می‌باشد.

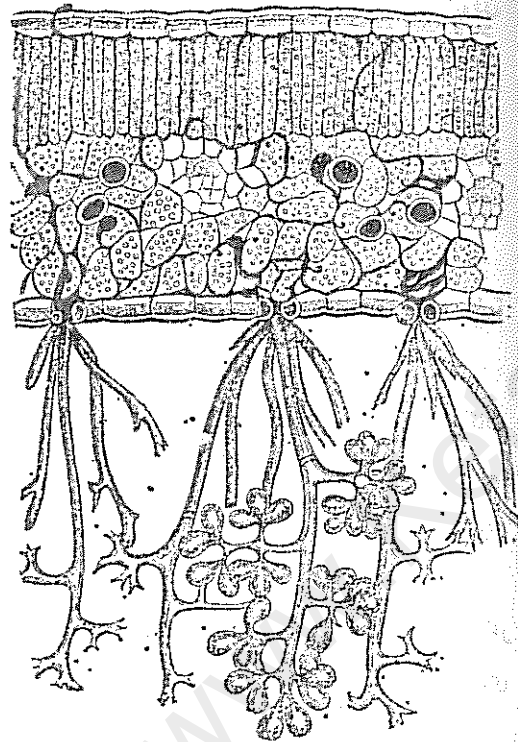
روغن دانه انگور شامل تری‌گلیسریدهای اسیدهای اولئیک، پالمیتیک، لینولئیک،

استاریک، آراشیک و همچنین فیتوسترین است.

غوره، انگور رسیده و آب انگور، هر یک علاوه بر تغذیه به مصارف درمانی متعدد می‌رسند نسبتاً از انگور رسیده، سرکه و شراب تهیه می‌گردد که آنها نیز مصارف درمانی مختلف دارند. خواص درمانی - اعضای مختلف درخت انگور دارای مصارف عدیده به شرح زیر در بیماریهای مختلف اند:



ش ۱۶۴ - خوشه انگور آفت دیده از بلاک روت



ش ۱۶۳ - نمایش انشعابات آفت میلدیو در داخل روزه‌های سطح تحتانی برگ

برگ رسیده - دارای اثر مقوی، قابض و مدر است. پیچک مونیز اختصاصات درمانی برگ را داراست. برگهای جوان مو، به صورت تیزان (دم کرده یا جوشانده) در رفع دیسانتری، شکم‌روشها، خونریزها، عدم دفع ادرار، نقرس، زردی، استفراغ، اختلالات گردش خون مربوط به زمان بلوغ

ویا یائسگی، پیدایش برافروختگی در صورت، ناحیه بینی، زخمدان و گونه‌ها (Dr. H. Leclerc) و همچنین در واریس مصرف می‌شود.

گردبرگهای جوان و خشک‌شده مو، اثر زیاد در رفع خونریزها مانند خونریزهای رحمی (خونروی در فواصل قاعدگی) و خون‌آمدن از بینی (بصورت بالا کشیدن گرد مو بداخل حفرات بینی) دارد مشروط بر آنکه خونریزها، منشأ ضعف مغز و کم‌خونی داشته، حالات التهابی موجبات آنرا فراهم نکرده باشد.

برگ واریته‌های مختلفی از انگور که رنگ قرمز دارند، بر سایر انواع آن از نظر دارا بودن مقدار زیاد تر تانن، سزیت دارد. جوشانده برگ‌سو، بصورت حمام‌های موضعی در رفع سرمازدگی دست و پا توصیه گردیده است.

جوانه‌های مو - شیر جوانه‌های تازه مورا پس از تبخیر، به کمک الکل به صورت عصاره درآورده مجدداً تبخیر می‌کنند. ماده بدست آمده که در بعضی نواحی به عنوان قابض و بدر و ضد تشنج مصرف می‌شود.

پیچک مو - مصرف شیره پیچکهای جوان و سبز مو، در رفع خونریزهای داخلی، مخصوصاً اخلاط خونی، اسهال یا دیسانتریهای خونی، در طب عوام معمول است.

گریه مو - قطرات مایعی که بر اثر قطع تنه یا شاخه درخت انگور از محل قطع شده و یا از شکاف شاخه‌ها خارج می‌شود، گریه مونا نام دارد. گریه مو در رفع بیماریهای جلدی، تب خال، ورم پلک چشم، ورم ملتحمه و همچنین در مصارف داخلی جهت دفع سنگ کلیه بین مردم در طب عوام مصرف دارد ولی بعضی اطباء و محققین آنرا داروی موثر ذکر نمی‌نمایند.

آب غوره، دارای اثر قابض است. جهت رفع ورم مخاط دهان و نرمی لثه‌های دندان بکار می‌رود. از آب غوره، مشروبات مفرح، بدر و شربت غوره تهیه می‌کنند که در رفع اسکوربوت، زردی و چاقی مغز مؤثر است.

انگور - انگور رسیده میوه مفیدی در درمان یبوست‌ها، التهاب معده و روده، دیسانتری، سیاه‌سرفه، سل ریوی، احتقاق کبد و طحال، کم‌خونی، نقرس، نزله‌های ششی و غیره است ولی باید توجه داشت که برای این کار اولاً انگور رسیده انتخاب شود و ثانیاً نژادی از انگور برای خوردن بکار رود که پوست نازک داشته باشد زیرا پوست ضخیم انگور نه تنها قابلیت هضم ندارد بلکه به علت گیر کردن در بین چین‌های روده، ممکن است موجبات عوارض ناراحت کننده را فراهم آورد. مصرف زیاد وی رویه انگور، ایجاد دل‌پیچه و اسهالهای ساده می‌کند.

مصرف روزانه یک تا دو کیلو انگور، بدون استفاده از غذا های دیگر که معادل ۷۰۰ تا ۴۰۰ گرم شیر آن است، اثر ملین، مدره، دفع اسید اوریک و ازدیاد ترشحات صفرا دارد که در مبتلایان به سوء هضم، سنگهای صفراوی و رسوبات ادراری، همچنین در سمومیت‌های مزمن از ترکیبات جیوه و سرب، درماتوزها (ناراحتی‌های جلدی مختلف)، بواسیر و بعضی حالات سل ریوی اثر مفید درمانی ظاهر می‌کند (Dr. H. Leclerc).

بهداشت پوست

مصرف مقدار ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلو گرم انگور رسیده در روز، بدون آنکه غذای دیگر مصرف شود و تکرار آن برای ۲ بار در هر ۱ روز، در لاغر شدن موثر واقع می‌شود. آب انگور که به کمک یک قطعه



ش ۱۶۵ - منظره بوستانی که در آن پایه‌های مو به تکیه گاه متکی است

پنبه به پوست صورت مالیده شود و پس از ۱ دقیقه که به کلی خشک گردید، با آب نیم گرم که محتوی کمی جوش شیرین باشد شسته شود، در تقویت و طراوت پوست صورت و همچنین روشن کردن رنگ آن موثر واقع می‌گردد، مشروط بر آنکه شیر انگور که بدین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد کاملاً تازه باشد.

دانه انگور - تانن دانه انگور بهتر از سایر انواع تانن‌ها، برای مسلولین تشخیص داده شده و مصرف آن به صورت گرد توصیه گردیده است (Dr. Michaut در سال ۱۹۱۲).

روغن دانه انگور اگر به کمک حلالهائی نظیر تری کلراتیلن استخراج گردد، معادل ۱۲ تا ۱۴ وحتى ۲۱ درصد از آن بدست می‌آید. چنین روغنی، رنگ زرد مایل به قهوه‌ای یا مایل به سبز و حالت خشک شونده دارد. در نقاشی، تهیه صابون و غیره از آن استفاده بعمل می‌آید.

شیره انگور-شیره انگور یا آب انگور، اثر ملین دارد. مصرف آن در کسانی که بر اثر یک بیماری مستند ضعیف گردیده اند و یا کسانی که پس از یک عمل جراحی، احتیاج به تقویت داشته باشند، بدون آنکه در دستگاه هضم آنها خستگی بوجود آید، نتایج بسیار خوبی می دهد. آب انگور غذای، بسیار خوبی برای مبتلایان به اوره خون و اسیدوز است.

از آب انگور می توان در مواردی که به جای شیر که دارای سواد آلبومینوئیدی و کلروهامی باشد، استفاده نمود. آب انگور برای کسانی که رژیم غذایی عاری از نمک دارند مفید است. مصرف آن در بیماریهای کبدی توصیه شده است زیرا با خوردن آن، عمل گلیکوژنی کبد و دفع صفرا تسهیل می گردد.

از معایب آب انگور فقط این است که مصرف مداوم آن، ایجاد سنگ کلیه و رسوبات فسفات می کند و هر قدر نیز آب انگور آلودگی حاصل کرده باشد، تشکیل رسوبات در کلیه، سریع تر صورت می گیرد (D. M. Muller در سال ۱۹۳۷). آب انگور، یا شیره انگور که از فشردن انگور رسیده در دستگاههای مخصوص و یا بوسیله عادی تهیه می گردد، طعم شیرین، مطبوع و ملایم دارد از این جهت در فصل جمع آوری محصول، همیشه اقدام به تهیه آن می نمایند تا در همه فصول از آن بتوان استفاده بعمل آورد. در تهیه آب انگور این نکته را باید توجه نمود که انگور آلوده و آفت دار برای این کار انتخاب نگردد.

سرکه، که از تخمیر اسیدی مایعات الکلی تحت اثر میکودرماستی بدست می آید، یکی دیگر از فرآورده های مفید انگور است. سرکه نه تنها طعم مطبوع به اغذیه می بخشد بلکه هضم بعضی موادمانند گوشت را آسان می سازد.

لوسیونها و محلولات رقیق سرکه، خارش را تسکین می بخشد و خونرویه های کوچک را متوقف می سازد. مصرف زیاد سرکه ایجاد سوء هضم می نماید. سرکه های تجارتنی که غالباً به کمک اسیدها مانند اسید سولفوریک تهیه می گردند و اسیدهای دیگر مانند اسید کلریدریک نیز به صورت قلب بدن آنها افزوده می شود نباید به مصارف تغذیه و درمانی برسند.

شیره گیاهی (گریه مو) که در بهار از شاخه های سسن درخت، خارج می گردد اگر به صورت کمپرس بر روی زخم و جراحات اثر داده شود، باعث بهبود و التیام زخمها می گردد.

شرابید- مشروبات الکلی تقریباً از کلیه میوه های شیرین تهیه می گردد ولی شراب های خوب معمولاً از تخمیر شیره انگور بدست می آید. شراب در تهیه شرابهای طبی مصرف داشته، انواع مختلف آن به مقدار کم و به تناسب خواصی که دارا میباشند در بیماریها تجویز می گردد.

شراب سفید، اثر ملین و شراب قرمز، اثر قابض و مقوی دارد.

اگر پس از افزودن قند به شراب، آنرا حرارت دهند و سپس برای معطر ساختن آن، مقدار کمی دارچین، سیخک و یک برش نازک لیموترش بدان اضافه نمایند تا عطر ملایم حاصل کند، نه تنها اثر مقوی و نیرو دهنده خواهد داشت، بلکه داروی بسیار خوبی برای رفع سرماخوردگی و خستگی بحساب می آید.

صورت داروئی- جوشانده. ۳ در هزار برگهای جوان سو-شیره برگهای جوان سوویا پیچک سو به مقدار ۳۰ تا ۶۰ گرم در روز- گرد برگ های جوان و خشک شده سو به مقدار ۴ تا ۵ گرم مخلوط در عسل یا در یک مشروب ساده.

نسخه جهت رفع اختلالات یائسه گی

برگ سو (نوع قرمز انگور)	۵۰ گرم
سرشاخه گلدار شاه تره	Fumaria officinalis ۲۰ »
سرشاخه مرزنجوش	Origanum Majorana ۲۰ »

بمقدار یک قاشق سوپخوری از مخلوط اعضای گیاهان مذکور برای هر فنجان آبجوش، دم کرده ای به مدت ۱ دقیقه تهیه نموده به مقدار ۲ تا ۳ فنجان در روز مصرف نمایند. از این دم کرده برای رفع برافروختگی و تجمع خون در گونه ها و نولک بینی (Couperose) نیز علاوه بر رفع عوارض یائسه گی می توان استفاده به عمل آورد.

در استعمال خارج، از دو مشت برگ انگور قرمز در یک لیتر آب، به طوریکه به مدت ۱۰ دقیقه بجوشد، محلولی به دست می آید که به صورت حمام پا (ظرف محتوی محلول که بتوان پاها را تا حد زانو در آن قرارداد)، در برقراری قاعدگی و جریان گردش خون موثر واقع می شود. دم کرده ۱۰ تا ۲۰ در هزار برگ مو برای شستشوی چشم در موارد ورم ملتحمه می تواند به کار رود. از شیره جوانه های تازه درخت انگور قرمز، جهت از بین بردن لکه های پوست، و همچنین درمان کک مک (Ephelide، Taches de Rousseur)، به صورت مالیدن به پوست، استفاده به عمل می آید.

درخت سو و وارنیه های متعدد آن، در قزوین، همدان، شیراز و نواحی مختلف دیگر ایران پرورش می یابد. انواع وحشی آن نیز در نواحی مختلف مشاهده می گردد.

از این گیاهان مفید و داروئی این تیره به ذکر چند گیاه غیر موجود در ایران به شرح زیر مبادرت می شود:

۱- *Leea aequata* L.* در هندوگینه می روید و از آن به عنوان ضد کرم استفاده درمانی

به عمل می آید.

۲- *L. macrophylla* Roxb. * مانند گیاه قبلی درهند وگینه می روید و به مصارف

درمانی مشابه می رسد.

۳- *L. sambucina* Willd. * درمالا برمی روید واز آن به عنوان داروی اختصاصی

جهت درمان نقرس استفاده می شود.

Ampelopsis quinquefolia Michx. ، ** Parthenocissus quinquefolia* Planch.

(موچسپ وحشی) - نوعی پیچ بالارونده ویومی امریکای شمالی، مخصوصاً کانادا و فلوریدا

است. برگهای پنجه ای دارد که درپائیز به رنگ عنابی درمی آید. از درختان بالاسی رود و منظره زیبا

به آنها می بخشد. در تیرماه گل می دهد و در مهرماه، میوه های کوچک و سیاه رنگ بوجود می آورد.

خواص درمانی - از نظر درمانی، برای ساقه و برگ گیاه، اثر خلط و رقیق کننده بلغم به

عنوان مدر در بیماریهای مختلف، مورد استفاده قرار می دهند. انواع زیتنی فراوانی از آن وجود دارد.

نوع ** P. meliaefolia* Kundo، دارای ماده ای به نام آمپه لوپسین *Ampelopsine*

است. (1). آمپه لوپسین (آمپه لوپتین *ampeloptin*، دی هیدرو میریسیه تین *dihydromyricetin*)، به

فرمول $C_{15}H_{12}O_8$ و به وزن ملکولی ۲۰۵.۲۲ است. از برگهای گیاه فوق (2) و گیاهان دیگر به

شرح زیر استخراج شده است:

۱- از برگ *Pinus contoria* Dougl. از تیره Pinaceae

۲- *Erythrophleum africanum* (Welw.) Harms. - Caesalpinaceae

سنتز آمپه لوپسین، از میریسیتین *myricitine*، توسط محققین مختلف انجام گرفت (3).

تیره خاکی Aquifoliaceae

گیاهان این تیره به صورت درخت یا درختچه و شامل ۷ جنس و ۳۰ گونه می باشند که

در نواحی مختلف کره زمین به استثنای مناطق سردیافت می شوند.

از اختصاصات آنها این است که برگهایی متناوب، ضخیم، غالباً منتهی به بریدگیهای

1 - Merck Index, No. 612, 1976.

2 - Kotake, Kobota, Ann. 544, 253 (1940).

3 - — — — , J. Ind. phytech. Osaka city Univ. 1, No. 2, 47 - (1950).

خاردار و پوشیده از کوتیکول ضخیم دارند. گلهای آنها منظم، نر - ماده یا بردونوع نر و ماده، پایه و شامل قطعات ع یا ه تائی است. میوه آنها به صورت شفت و محتوی دانه های آلبومن دار و گوشتدار است.

غالب این گیاهان در امریکای جنوبی، استوائی و کاپ می رویند و فقط محدودی از آنهاست که در نواحی مختلف پراکنندگی حاصل کرده اند. بعضی از این گیاهان به علت دارا بودن مواد مؤثر، دارای مصارف درمانی هستند، عده ای از آنها نیز به علت دارا بودن برگهای سبز و پایا پیوسته پرورش می یابند.

نمونه های دارویی آنها به شرح زیر است:

* *Ilex paraguensis* St. Hil.

1. Mate St. Hil. ، I. vestita Reiss.

فرانسه: Herbe de St. Barthelemy ، Thé des jésuites ، Thé du Paraguay، Maté؛

انگلیسی: Mate، Paraguay tea؛ ایتالیائی: Agrifoglio emetico؛

آلمانی: Mate strauch ، Paraguaytee ؛ عربی: شای البراجواوی (... barâgwây)

درختچه ای به ارتفاع ۷ تا ۱۰ متر (حتی بیشتر) و دارای منظره ای شبیه درخت نارنج است.

برگهایی بزرگ، شفاف، بی کرک، به رنگ سبز تیره در سطح فوقانی پهنک و سبز روشن در سطح

تحتانی دارد. گلهای آن کوچک، سفید رنگ، شامل ۷ کاسبرگ و ۷ گلبرگ و میوه اش کوچک،

سته و محتوی دانه های شفاف به رنگ زرد روشن است.

این درختچه، به حالت وحشی در پاراگوئه، شمال آرژانتین و جنوب برزیل می روید.

مناسب ترین منطقه رویش نیز برای آن، ارتفاعات واقع بین ۵۰۰ و ۱۰۰۰ متر است.

برگ این درختچه و همچنین نوشابه هایی که از آن تهیه می گردد، در بین مردم، Maté،

نامیده می شود.

برگ آن به حالت تازه، رنگ سبز تیره دارد ولی پس از خشک شدن، کمی زرد می گردد.

طعم آن معطر و تلخ است.

در بازاریت تجارت کمتر برگ کامل گیاه عرضه می شود بلکه همیشه، برگ کامل مخلوط

با قطعات آن، در معرض استفاده قرار می گیرد.

برگ انواع سفید دیگری از این گیاهان مانند: ** Ilex teezans* Bonpl. ،

I. crepitans Bonpl. ، * *I. amara* Bonpl. ، * *Ilex. humboldtiana* Bonpl. ،
I. ovalifolia Bonpl. و غیره نیز در برزیل و نواحی دیگر با آن مخلوط می‌گردد.
 ترکیبات شیمیائی - برگ این گیاه دارای ۲ درصد کافئین و ۱ تا ۱۲ درصد تانن مخصوصی



ش ۱۶۶ - *Ilex paraguensis* : شاخه گلدار (اندازه طبیعی)

به نام اسید ماتتیک تا نیک ac. matétannique است که مشابه اسید کافه تا نیک شناخته گردید
 (Rochleder). بعلاوه دارای قند، مواد آلبومینوئیدی، نوعی رزین و غیره است.

در خاکستر آن، وجود S و فلزاتی نظیر K، Mg، Mn و Fe محقق گردیده است (۱).
 خواص درمانی - برگ این گیاهان به علت دارا بودن کافئین، دارای اثری مشابه چای و
 تهیه است و معمولاً به صورت دم کرده نیز مصرف می‌شود.
 مصرف مقدار کم آن، اثر نیرو دهنده و رفع خستگی دارد. معمولاً دم کرده داغ آن که
 طعمی مطبوع دارد مصرف می‌شود.

از معایب مصرف آن این است که تدریجاً ایجاد عادت می‌کند. مقادیر زیاد آن اثر
 بی‌آورد دارد.

صورت داروئی - از برگ این گیاه فقط به صورت دم کرده تا ۱ در هزار استفاده بعمل می‌آید.
 از خاصیت دم کرده آن این است که ضمن دم کردن برگ (به خلاف جوشاندن)، ماده رزینی برگ
 که اثر سهلی دارد در آب حل نمی‌گردد.

برای تهیه دم کرده برگ این گیاه، ابتدا مقدار کمی آب گرم روی ۱ گرم از قطعات برگ
 می‌ریزند و پس از آنکه چند دقیقه گذشت، بقیه آب گرم را اضافه می‌کنند و مجموع را به مدت ۱
 تا ۱ دقیقه به حال خود باقی می‌گذارند سپس آنرا صاف می‌نمایند.

از انواع مفید دیگر گیاه مذکور، * *Ilex vomitoria* Ait. و * *I. opaca* Holm. را نام می‌بریم
 که اولی به صورت درختچه‌ای در فلوریدا، کارولین و ویرجینیا می‌روید و اثر قوی آور دارد و دومی در
 فلوریدا و میسوری می‌روید و مصرف برگهای آن جهت درمان نزله، ذات‌الجنب و نفوس توصیه
 گردیده است.

پوست گیاه اخیر بیشتر مصارف درمانی دارد.

هیچیک از گیاهان مذکور در ایران نمی‌رویند و فقط یک نمونه غیر داروئی آنها در ایران
 یافت می‌گردد:

* *Ilex aquifolium* L.

فرانسه: Agrifon، Houx épineux، Agrifoul، Bois franc، Houx commun

انگلیسی: Holly، Mountain holly، آلمانی: Christdorn، Stechpalme Hülsen

ایتالیائی: Agrifoglio، Azzilastro، Aquifoglio، Strillazzo، Lauro spinosa

عربی: طیم، شرابة الراعی، عود الخیر

۱ - *Ilex. paraguensis*، در بعضی کتب داروئی به نام *I. paraguariensis* نیز وارد
 گردیده است.

درختچه‌ای است به ارتفاع ۲ تا ۸ متر که غالباً در اراضی سیلیسی نواحی مختلف اروپا و آسیا مانند فرانسه، ایتالیا، یونان، نواحی غربی اروپا، آسیای صغیر، قفقاز و چین به حالت وحشی می‌روید. بعلاوه به علت دارا بودن برگهای سبز دائمی در بعضی نواحی پرورش می‌یابد. از مشخصات این درختچه آن است که برگهایی صاف و شفاف به رنگ سبز تیره، با پهنک منقسم به تقسیمات ناهموار و خاردار دارد. گلهای آن به رنگ سفید یا صورتی و مجتمع در کنار برگهاست. در بعضی از پایه‌های آن ممکن است منحصرأگلهای شامل پرچم و در پایه‌های دیگر، گلهای اختصاصاً دارای سادگی باشند.

سیوه‌اش به رنگ قرمز مرجانی، بندرت زرد رنگ، به بزرگی معمولاً یک نخود و محتوی ۴ یا ۵ دانه است.

ترکیبات شیمیائی - برگ این گیاه دارای تانن، ماده‌ای به نام ایلیکسین *ilicine*، یک ماده زرد رنگ به نام ایلیگزانتین *ilixanthine*، اسید کافئوتانیک *rac. cafeotannique*، گلوکز، صمغ، سوم ولی فاقد کافئین می‌باشد (Fournier p. pl. méd. vol. II. 1948).

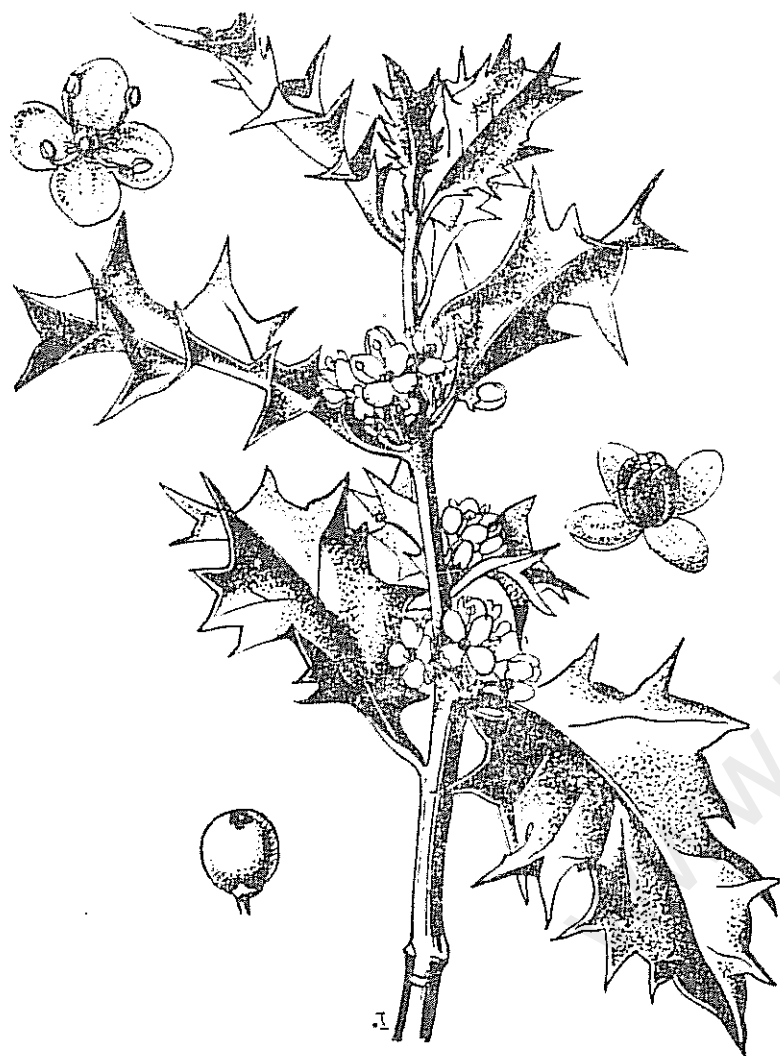
خواص درمائی - برگ این گیاه به علت دارا بودن تانن و ایلیکسین، اثر مدر، سلین، مقوی و مخصوصاً تب‌بر، ضد تشنج و ضد رماتیسم دارد ولی مصرف آن بیشتر بر اثر خاصیت تب‌بر آن است. در رفع تب‌های نوبه نیز نتایج مفید از آن بدست آمده است. سیوه‌اش قوی آور-سهل و پوست آن دارای اثر درمانی در بیماری صرع است.

اگر سیوه آن توسط کودکان بلعیده شود ایجاد ناراحتی‌های شدید دستگاه هضم می‌نماید که ممکن است منجر به مرگ شود (O. Gessner در سال ۱۹۳۱).

صورت دارویی - دم کرده یا جوشانده ۳ تا ۶ در هزار برگ تازه یا خشک به مقدار ۴ تا ۳ فنجان در روز - گرد برگ به مقدار ۴ تا ۵ گرم در شراب یا در یک تیزان-دم کرده ۲ مسمت پوست ساقه در آب جوش به مدت ۱ دقیقه بجوی که بعداً تمام مدت شب به همان حال باقی بماند، به مقدار ۴ تا ۳ فنجان بین هر دو غذا.

در ایران گونه‌ای به نام *I. spinigera* (Loes.) Loes. وجود دارد که در گرگان، بین گرگان و زیارت، بندرگز، مازندران، دره‌هاز، کره‌زنک، گیلان، هشتپر و اطراف رشت و اسمازاده ابراهیم در ارتفاعات ۳ تا ۵ متری می‌روید و در نواحی مختلف بنامهای زیر نامیده میشود:

اسامی محلی - گیاه اخیر در دیلمان به خاس و خاش، در گیلان و شهسوار به کنگه، در اطراف رشت و طوالش به خج و خجج، در آستارابه‌س، در نور و کجور به الاش، در گرگان به منزول



ش ۶۷-۱ *Ilex aquifolium*: شاخه گلدار (اندازه طبیعی) - گل - سیوه

و در مازندران به ورك تلی موسوم است.

بورسراسه *Burseraceae*

گیاهان این تیره به صورت درخت یا درختچه های کوچک و شامل ۲۰۰ گونه اند که در ۲ جنس جای داده شده اند. پراکنندگی آنها در کره زمین به نحوی است که غالباً در مناطق گرم یافت می گردند.

گیاهانی بایرگهای ساده یا مرکب از برگچه ها و دارای گلتهائی نر- ماده یا پلی گام و پایه اند. کاسه گل آنها شامل ۳ تا ۵ لوب و جام گل آن نیز به همان تعداد گلبرگ است. پرچمهایی به تعداد گلبرگها یا دو برابر آنها دارند. سیوه آنها شفت و محتوی دانه های بدون آلبومن با بوئی مخصوص است.

از مشخصات این گیاهان وجود مجاری ترشعی در آنهاست که بطور متفاوت در منطقه آبکش و یادر ناحیه اشعه مغزی اعضای مختلف گیاه پراکنده است.

انواع دارویی و سهم آنها به شرح زیر است:

* *Boswellia Carterii* Birdw.

B. sacra Flueck

فرانسه: *Oliban* انگلیسی: *Incense* آلمانی: *Weihrauch* ایتالیائی: *Incenso*

عربی: لیبان، لبان ذکر (*L. dhakar*)

اسامی مذکور متعلق به گم رزینی است که از گیاه فوق بدست می آید و به مصارف درمانی

می رسد.

درختی است کوچک که شاخه های متعدد آن در قسمت های انتهائی ساقه ظاهر می شود و تماماً پوشیده از کرک حتی کرکهای پنبه ای جلوه می کند. برگهای مرکب آن، از ۷ تا ۱۰ برگچه دنداندار تشکیل می یابد. گلتهائی نر- ماده، به رنگ سفید و مجتمع به صورت خوشه های دراز در محور ساقه دارد.

در کشور سوئالی، سواحل خلیج عدن و نواحی مختلف عربستان به حالت وحشی می روید. از تنه آن، بر اثر ایجاد شکاف، گم رزینی به صورت شیره سفید رنگ خارج می شود که به سبب به صورت قطرات کوچک می بندد و یا در پای درخت ریخته می شود. این گم رزین، آن سنس *Encens* یا *اولیبان* *Oliban* نام دارد. قطعات کوچک اولیبان، رنگتهائی بتفاوت زرد روشن،

زرد مایل به قهوه ای، سفید مایل به آبی و سفید مایل به سبز دارند ولی اگر به صورت گرد درآیند، رنگ سفید پیدا می کنند.

طعم اولیبان، معطر و کمی تلخ است. پس از سوختن نیز بوی مطبوع از آن در فضا پخش می شود.



ش ۱۶۸ - *Boswellia Carterii*: شاخه گلدار

اولیبان، دراتر، کلروفرم و اسانس ترپانتین حل می گردد. اگر در آب سائیده شود، امولسیون به رنگ تقریباً سفید می دهد.

وزن مخصوص آن کمی بیشتر از آب است. در گرمای ۱۰۰ درجه، نرم می‌شود. بدون آنکه ذوب شود.

این گم‌رزین که در ایران کمندور نام دارد، از گونه دیگری به نام *B. Freerana* Bird نیز بدست می‌آید. گم‌رزین حاصل از گیاه اخیر، ظاهری نسبتاً متفاوت با گیاه قبلی دارد.

بنظر می‌رسد که گیاه اخیر، وارسته یا یک گونه فرعی از گیاه اصلی مذکور باشد.

ترکیبات شیمیایی - اولیبان، یا آن سنس (Encens) دارای نوعی صمغ غیر محلول در الکل به مقدار ۲ تا ۳ درصد، یک رزین نوعی اسانس است. قسمت غیر محلول آن در الکل، شامل ۲ درصد آرایین و ۶ درصد باسورین *bassurine* ولی قسمت محلول آن در الکل، دارای اولیبان نوزین *olibanorésène* به مقدار ۳۳ درصد وزن کلی، ۳۳ درصد بتا اسید بوزولیک β -ac. boswellique به حالت آزاد و ۱۱ درصد اسید بوزولیک به حالت ترکیب با سواد دیگر، یک ماده تلخ به مقدار ۰٫۱ درصد و ۲ تا ۹ درصد اسانسی با وزن مخصوص بین ۰٫۸۷۵ و ۰٫۸۹۴ است.

اسانس اخیر، علاوه بر پینین *Pinène*، دیپانتن و فلائندرن، دارای نوعی الکل به نام اولیبانول *olibanol* به فرمول $C_{11}H_{14}O$ است (1).

بتا اسید بوزولیک، به فرمول $C_{19}H_{28}O_3$ و به وزن ملکولی ۳۸۶٫۵۴ است. در گم‌رزین *B. Carterii* Birdw. که اولیبان یا *Encens* نام دارد، به حالت آزاد یا ترکیب با سواد دیگر یافت می‌شود و استخراج شده است (2).

بتا اسید بوزولیک بیش از دو فرم دیگر آن یعنی آلفا و گاما در اولیبان وجود دارد.

این اسید به صورت بلورهای منشوری شکل در از در متانول به دست می‌آید. در کلروفورم اتر، استن و الکل محلول است. ۱ میلی لیتر متانول جوشان، ۸ گرم آنرا در خود حل می‌کند.

خواص درمانی - اولیبان، از نظر درمانی در مصارف داخلی کمتر مصرف می‌شود ولی در استعمال خارج، به صورت بخور در بیماریهای دستگاه تنفسی و در موارد فلج و دردهای رماتیسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از گرد آن در تسکین درد دندان استفاده بعمل می‌آورند.

مصرف آن از نظر درمانی سابقاً خیلی زیاد بوده است ولی تدریجاً اهمیت خود را از دست داده است.

کاتولیک‌ها، در مراسم مذهبی خود اولیبان را با سواد معطر دیگر مخلوط کرده، جهت

1 - Planchon - Bretin, Mat. méd, I. 1044, (1946).

2 - Witerstein, Stein, Z. Physiol. Chem. 208, 9 (1932).

معطر کردن فضای محیط نیایش می‌سوزانند.

هیچیک از گیاهان مذکور در ایران نمی‌رویند ولی گم‌رزین آنها تحت نام کندور از خارج وارد ایران گردیده بندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

* *Commiphora* Jacq.

از گونه‌های مختلف *Commiphora* که به حالت وحشی در سوماتالی و عدن می‌رویند و عموماً به صورت درخت یا درختچه می‌باشند، گم‌اولثورزینی به نام میر *Myrrhe* بدست می‌آید که به مصارف درمانی می‌رسد.

مدتها تصور می‌نمودند که گیاه مولد این ماده، *Balsamodendron Myrrha* Nees (۱)

به *Commiphora Myrrha* Engl. است و یا آنکه آنرا به یکی دیگر از گونه‌ها به نام *C. opobalsamum* Kunth. * نسبت می‌داده‌اند و با آنکه عده‌ای از محققین، گیاه اخیر را هنوز هم مولد نوع افی سینال ماده مذکور اظهار داشته‌اند. مع هذا در کدکس، گم‌رزین دو گیاه دیگر به نامهای زیر:

C. Schimperi Engl. و *C. abyssinica* Engl. * قابل استفاده ذکر شده است.

چون گیاهان مذکور، ظاهری شبیه یکدیگر دارند. از اینجهت در اینجا به شرح یکی از آنها مبادرت می‌شود.

Commiphora Opobalsamum Kunth.

Balsamodendron Ehrenbergianum Berg.

فرانسسه: Balsamier de Judée, B. de la Mecque, Balsamier de Gilead

انگلیسی: Balsam of Mecca, Baslm of Gilead, Mekka balsambaum

ایتالیائی: Balsamo della Mecca, Balsamo di Gilead, Albero balsamico

عربی: بلسان (Balasân), ابوشام, بلسم مکه

درختچه‌ای. خاردار و دارای شاخه‌های کوتاه و منتهی به ۳ یا ۴ برگ مرکب از برگچه‌های پوشیده از تارهای ظریف است. برگچه‌های برگ آن، ظاهری بیضوی معکوس یا نوک تیز با کناره‌های صاف دارند. گل‌های آن بردو نوع نر و ماده و واقع در محور ساقه اند. گل نر آن، کاسه‌ای

۱ - جنس *Balsamodendron* DC. دارای گونه‌های متعددی است که عموماً در جنس

Commiphora جای داده شده‌اند.